

۶ - عدم کفایت کنترل نسبت به حواله دهندگان

سورتهای مجالس کمیسیون رسیدگی به محاسبات وزراء بیانات عمومی و راپرت سالیانه دیوان محاسبات مقدماتی، رای، تفریق بودجه است که رأی و تصویب آن متعلق به پارلمان خواهد بود. زیرا این رسیدگی و تحقیقات قبلی مربوط بآن دقت نظری است که مجلسین در قانون تفریق بودجه خواهند نمود.

گاهی مجلسین غفلت و مسامحه در جزئیات نموده گاهی مسائل را مخصوصاً سطر اتصال به امور سیاسی داده حتی گاهی بواسطه اشتغال بمطالب دیگر اصلاحات را کنترلی خود را فراموش مینمایند. تجربه نیز بما ا نشان میدهد که افراتی در میان جهلات مذکوره نیست.

بعلاوه مسئولیت وزراء که اساس مسئله و فقط مربوط بهمین کنترول پارلمانی است چنان که مندرراً خاطر نشان نموده ایم تا کنون بطور قطعی واضح نگردیده و بموقع اجرا نیز گذارده نشده است.

این وضعیت و حالت باعث آن است که حواله دهندگان دارای يك استقلال نام و تمامی ناشند درحالیكه كنترول های متعدده راجع به محاسبین بر قرار گردیده حواله دهندگان را از هر قبندی آزاد گذارده اند. الت کار را معاکمه نموده ولی مؤسس و محرك را بدون معاکمه میگزارند در دوره عمل محاسبین يك قبض صد دیناری بدون هیچ ملاحظه آشکار گردیده در صورتیکه دوره عمل حواله دهندگان

مقدمه

مطالعه کتب راجع به امور مالی مرا یادداشت که چندین قبل کتاب بودجه تألیف دانشمند معروف پروفیسور اشتورم را ترجمه نمایم که در بعضی موارد مختصر ضمایی داشته و گاهی هم اشاره بقوانین و مقررات مالی ایران بشود.

متأسفانه وسیله طبع آنرا ندا شتم تا اینکه اخیراً مونتق بطبع آن گردید.

چنانچه در ترجمه این کتاب مهم و مفید موفقیت کامل حاصل باشد از خوانندگان معترزم پوزش میطلبم.

مراجعة بادقت در این کتاب جامع برای کسانی که با مالیه مملکت
۱. سر دارند مخصوصاً آقایان وزرا و نمایندگان مجلس شورای ملی
۲. دمای امور مالی نهایت ضرورت را دارد.

۳. بنای نکات علمی و غالب اطلاعات تاریخی آن راه راست را برای تهیه تصویب - اجرا - و کنترل بودجه نشان میدهد
م انتشار این کتاب سودمند بزبان فارسی موجب هدایت امور مالی کشور ما واقع گردد.

امان الله اردلان

تهیه کنندگان

۱. تهیه بودجه از طرف

۲. مأمورینی که در

۳. وزیر مالیه

۴. اداره خزانه داری در

۵. خلاصه لایحه بودجه دزیارلم.

فهرست مذكرجات

فصل اول

توضیح بودجه - حقوق بودجه

صفحه	عنوان
۲	۱ توضیح بودجه
۷	۲ حقوق بودجه
۱۱	۳ سابقه حقوق بودجه در انگلستان
۲۴	۴ اصول حقوق بودجه در ممالک متحدہ امریکا
۲۹	۵ حقوق بودجه در روس

فصل دوم

سابقه حقوق بودجه در فرانسه

۳۲	۱ سابقه حقوق بودجه در فرانسه، دوره تاژنرو
۳۹	۲ دوره پارلمانی
۴۲	۳ بنای اصول بودجه بطرز جدید

قسمت اول

تهیه بودجه

فصل سوم

۵۰	تهیه کنندگان بودجه چه اشخاص هستند، وظیفه وزیر مالیه
۵۲	۱ تهیه بودجه از طرف قوه مجریه، قوه ابتکار پارلمانی
۵۷	۲ مأمورینی که در تهیه بودجه مشارکت مینمایند
۵۹	۳ وزیر مالیه
۷۰	۴ اداره خزانہ داری در انگلستان
۷۴	۵ خلاصه لایحه بودجه در پارلمان

فصل چهارم

- ۷۵ . موقع تهیه بودجه ، تاریخ ابتدای سنه مالیه
- ۷۶ . ۱ . موقع تهیه بودجه در مملکت فرانسه
- ۸۱ . ۲ . لایحه تغییر سنه مالیه در ۱۸۱۹
- ۸۵ . ۳ . تواریخ ابتدای سنه مالیه در ممالک خارجه
- ۸۶ . ۴ . لایحه جدید تغییر سنه مالیه که در فرانسه در ۱۸۸۸
- ۸۹ . رد گردیده است
- ۹۳ . ۵ . يك دوازدهم در بزرگ
- ۹۵ . ۶ . لزوم نزدیک نمودن برآوردها بمعاملات واقع

فصل پنجم

- ۹۶ . دوره عمل مالیه و سنه مالیه
- ۹۷ . ۱ . دوره عمل مالیه و معامله ستواتی ؛ توضیحات
- ۱۰۲ . ۲ . افراط و تقریط تاریخی نتیجه طرز دوره عمل
- ۱۰۵ . ۳ . تاخیر ضروری عملیات که در طرز دوره عمل وجود دارد
- ۱۰۶ . ۴ . محاسبات سالیانه در انگلستان و ایتالیا
- ۱۱۱ . ۵ . فرم مختلف توافق نظر بارن لری ۱۸۱۹

فصل ششم

- ۱۱۵ . جامعیت — تخصیصات
- ۱۱۷ . ۱ . قاعده جامعیت قانون ۱۸۱۸ درجه بسطه توالی اجرای آن
- ۱۲۳ . ۲ . قاعده جامعیت موافق فرمان ۱۸۲۲ ، خلاف قواعدی که نسبت بمقررات آن دائماً بعمل آمده

صفحه	عنوان
۱۳۲	۳. اصول جامعیت در بودجه های انگلیس ، آلمان بلژیک و ایتالیا
۱۳۶	۴. محصنات اصول جامعیت
۱۳۸	۵. اصول تخصیصی مخالف با اصول جامعیت است
	فصل هفتم
۱۴۲	تخمینات بودجه نسبت به عایدات و نسبت بمخارج
۱۴۲	۱. ترتیب تخمین عایدات ، اصول اتماتیك
	۲. اصول تعیین عایدات علاوه بر ماخذ دریافتی ، اضافه عایدات علاوه بر ماخذ تخمین شده
۱۴۷	عدم موفقیت ر فورم سنه ۱۸۸۳
۱۵۵	۳. ترتیب تخمین عایدات در انگلستان و در آلمان و در ممالک متحده امریکا
	۴. تخمین مخارج ، توضیح کلمه اعتبار - اعتبارات محدود - اعتبارات تخمینی
۱۶۲	فصل هشتم
۱۷۳	حجم لایحه بودجه ، مخارج و عایدات بودجه عادی
۱۸۴	۱. مقدمه در بیان اسباب موجهه
۱۸۶	۲. متن لایحه قانون مالیه
۱۷۷	۳. بودجه معمولی و توضیح آن
	۴. تقدم مخارج نسبت به عایدات در بودجه مملکتی در سنه ۱۸۴۹
۱۷۸	۵. شرح مخارج مندرجه در بودجه معمولی
۱۸۱	

صفحه	عنوان
۱۸۴	۶۵ . شرح عایدات مندرجه در بودجه معمولی
	فصل نهم
	بودجه های فوق العاده
۱۹۰	۱۵۵ . تاریخ بودجه های فوق العاده
۲۰۲	۲۵۵ . مباحثه در محسّنات و مناز بودجه های فوق العاده
۲۹۱	۳۵۵ . بودجه های فوق العاده در خارجه
	فصل دهم
۲۹۶	بودجه از منابع عایدات مخصوصه - بودجه های ضمیمه
۲۹۷	۱۵۵ . بودجه از منابع عایدات مخصوصه
۳۲۵	۲۵۵ . بودجه های ضمیمه
	فصل یازدهم
۳۳۱	مشاغل مخصوصه ، خزانه ، انبای جز راجع به بودجه
	۱۵۵ . مشاغل مخصوصه خزانه ، ضمانات منافع نسبت به شرکت های راه های آهن
۳۳۰	۲۵۵ . پنج قسمت مذکوره قبل را نه می توان جمع بندی نمود
۳۳۹	۳۵۵ . وسائل خدمت و ترتیبات مخزنانه
۳۴۲	۴۵۵ . اسناد عمومی ضمیمه
۳۴۷	

قسمت دوم

رای در بودجه

فصل دوازدهم

۲۵۱ . کمیون های مقننه بودجه ، شور علی

صفحه	عنوان
۲۵۳	۱. کمیته نهایی مقننه ملی بارسری
۲۵۸	۲. دائمی بودن کمیسیون های مقننه در ممالک متحد آمریکا و در فرانسه در دوره انقلاب
۲۶۳	۳. راپرت هایی که از طرف کمیسیون های مقننه نوشته شده است
۲۶۵	۴. شور در کلیات و در موارد لایحه قانونی مالیه

فصل سیزدهم

تخصیص آراء به فصل

۲۷۱	۱. اختصاصات (یا اعتبارات) در بودجه تاریخ ترقیات بی دری
	این تخصیصات در فرانسه
۲۷۶	۲. توضیح فصل ، لایحه تخصیص دادن آراء قوه مقننه به تقسیمات جزء کوچکتر از ماده و پاراگراف
۲۸۲	۳. رأی آخر بودجه

فصل چهاردهم

۲۸۵	سالیانه بودن رای بودجه ها ، هفت ساله بودن بودجه نظامی - وجوه ثابتة - اقساط موقتی ماهیانه يك با چند دوازدهم
۲۸۶	۱. رای سالیانه بودجه ها ، موارد استثنائی در بعضی از ممالک
۲۸۷	۲. قسمتهای بودجه که برای چند سال رای داده شده است وجوه ثابتة در انگلستان بودجه هفت ساله نظامی در آلمان خارج از بودجه های دوساله و سه ساله

صفحه	عنوان
۲۹۳	۳. اقساط دوازده گانه موقتی (يك يا چند دوازدهم)
	۴. اقساط موقتی در خارجه ، رای در پرداخت مساعده
	در انگلستان - کمیته های تعیین مخارج و مساعدت
۲۹۶	های نقدی و طرق وسائل
	فصل یازدهم
	رای مجلس اعیان ، اقتدارات بودجه در در مجلس ،
۳۰۱	مناقشات سالیانه
۳۰۱	۱. وظیفه مجلس اعیان راجع بودجه در ممالک مختلفه
	۲. اقتدارات مجلس در فرانسه راجع بودجه
۳۰۹	مناقشات سالیانه
۳۱۶	۳. رای در بودجه از طرف سنا
	فصل شانزدهم
	اعتبارات اضافی ، اقدامات مختلفه که برخلاف این
	ترتیب شده است ، بودجه های مصححه -
۳۱۸	تبدیل اعتبارات
۳۱۹	۱. اعتبارات اضافی ، دلایل وجود این ترتیب و مخاطرات آن
	۲. اقدامات مخالف اعتبارات اضافی ، تدابیر موقتی در
۳۲۳	درجه دوم اهمیت
۳۲۸	۳. بودجه های مصححه
۳۳۲	۴. تبدیل اعتبارات

فصل هفدهم

- ۳۳۸ تاریخ اعتبارات اضافی، ترتیب قانونی اعتبارات مزبوره
- ۳۳۹ ۱. تاریخ قانونی شدن اعتبارات اضافی
- ۳۴۵ ۲. قوانین مالییه اعتبارات اضافی
- ۳۵۱ ۳. الغاء اعتبارات
- ۳۵۴ ۴. نتایج قانونی نمودن اعتبارات اضافی
- ۳۵۶ ۵. اعتبارات اضافی در ممالک خارجه

فصل هیجدهم

رد شدن بودجه

- ۳۶۴ ۱. رد شدن بودجه از طرف پارلمان
- ۳۶۸ ۲. تشبثات در رد بودجه در انگلستان و آلمان
- ۳۷۱ ۳. تشبثات و اقدامات در رد بودجه در فرانسه

قسمت سوم

اجرای بودجه

فصل نوزدهم

در یافت مالیاتهای غیر مستقیم

- ۳۷۶ در یافت عایدات و وصول مالیاتهای مستقیم
- ۳۷۸ ۱. وضع جزء جمع مالیاتهای مستقیم
- ۳۸۲ ۲. دریافت مالیاتهای مستقیم

فصل بیستم

- ۳۹۱ ۱. اداره مالیاتهای غیر مستقیم حقوق باعوارض نقدی
- ۳۹۶ ۲. حقوق مشخصه و ثابته
- ۴۰۲ ۳. مفتشین و مدیران - خلاصه اداره مالیاتهای غیر مستقیم

ح فصل بیست و یکم

- دریافت حقوق ثبت اسناد و حقوق گمرکی نفتیش کل ماهه ۴۰۵
۱. اداره ثبت اسناد ۴۰۶
۲. اداره گمرکات ۴۱۱
۳. اوصاف مشخصه تشکیل و تربیت مالیات های مستقیم و مالیات های غیر مستقیم ۴۱۷
۴. نفتیش کل ماهیه ۴۱۹

فصل بیست و دوم

۱. مرکزیت دادن وجوه و عواید از ارباب وجودات یا خزانه مرکزی مملکت ۴۲۳
۱. مرکزیت دادن وجود وجودات ارباب ماهه ۴۲۴
۲. مرکزیت دادن وجوه توسط خزانه دارهای ولایت ۴۲۸
۳. محل هاییکه خزانه داران ولایت و ... خزانه ممالک را به مصرف می رسانند تا نظایر یک وجوه را بحول می دهند ۴۳۰

فصل بیست و سوم

۱. خزانه دارهای ولایتی - لوابیح ریودار - رایانه ... ۴۳۴
۱. خزانه داران ولایتی معامالت آنها با بانک ۴۳۵
۲. تاریخ تاسیس خزانه داران ولایتی ۴۴۱
۳. رهنورد تاسیس خزانه داران ولایتی ۴۵۰
۴. خزانه داری در اندلسان در آلمان و در ایالات ۴۵۲

فصل بیست و چهارم

- ۴۶۱ وظیفه وزیر مالیه - اداره مخارج - حواله کنندگان و محاسبین
- ۴۶۲ ۱. اجرای بودجه بتوسط وزیر مالیه
- ۴۶۵ ۲. حواله دهندگان
- ۴۶۹ ۳. وظیفه محاسبین
- ۴۷۱ ۴. وظایف وزیر مالیه نسبت بمخارج
- ۴۸۱ ۵. حق مطالبه نمکه بحواله دهندگان داده شود
- ۴۸۱ مسئولیت تادیه کنندگان

فصل بیست و پنجم

- مخارجی که بدون اعتبار شده است - لایحه رفورم - کنترل برای جلوگیری از تجاوزات
- ۴۸۴
- ۴۸۵ ۱. تاریخ تجاوزات از اعتبارات
- ۴۸۷ ۲. لوایح رفورم
- ۴۹۰ ۳. تشکیل کنترل برای جلوگیری قبلی در انگلستان و ندرایتالیا

فصل بیست و ششم

- ۵۰۳ ۱. غیر محدود بودن دوره عمل تا ۱۸۲۲
- ۵۰۴ ۲. خاتمه دوره عمل - تصویب ۱۸۲۲ قانون ۱۸۸۹
- ۵۰۵ ۳. ترتیب محاسبات برای دوره عمل خاتمه یافته
- ۵۰۶ ۴. استقااطحق بعد از پنج سال - قانون ۱۸۳۱ - دوره عمل محدود فیه
- ۵۰۷ ۵. خاتمه دوره بودجه در انگلستان

قسمت چهارم

کنترل بودجه فصل بیست و هشتم

- لزوم کنترل - حواله دهندگان و روسای مالیه و محاسبات - کنترل
 ۵۱۰ روسای مالیه
- ۱ - اقدامات شدید که بواسطه نبودن کنترل به میان آمده است ۵۱۰
- ۲ - حواله دهندگان و محاسبین (مقتضو دوزراء و روسای مالیه است) ۵۱۳
- ۳ - کنترل اداری محاسبین ۵۱۶
- ۴ - محاسبات دول ۵۱۸
- ۵ - کنترل قضائی در باره محاسبین و جمعداران مالیه ۵۲۳
- ۶ - کنترل قوه مقننه در باره محاسبین و جمعداران ۵۲۴

فصل بیست و هشتم

کنترل حواله دهندگان

- ۱ - نبودن کنترل اداری و قضائی نسبت بحواله دهندگان ۵۲۷
- ۲ - کنترل قوه مقننه در باره حواله دهندگان - محاسبات وزراء ۵۲۹
- ۳ - محاسبه کل مالیه ۵۳۱
- ۴ - کمیسیون رسیدگی بمحاسبات وزراء ۵۳۴
- ۵ - بیانات عمومی و راپرت دیوان محاسبات ۵۳۷
- ۶ - عدم کفایت کنترل نسبت به حواله دهندگان ۵۴۰

فصل بیست و نهم

- دیوان محاسبات ۵۴۴
- ۱ - مجالس قدیم محاسبات ۵۴۴

مقدمه

- * ۲ . دفتر محاسبات ۱۷۹۱ - کمیسیون های محاسباتی دوره انتقال ۵۴۷
- * ۳ : دیوان محاسبات - وظایف قضائی دیوان مزبور ۵۵۰
- * ۴ . وظیف پارلمانی دیوان محاسبات ۵۵۳
- * ۵ : دیوان محاسبات یا اداره تشیبه بآن در انگلستان در پاریس در روسیه در پروس در ایتالیا ۵۵۵

فصل سی ام

- تفریق بودجه ۵۶۴
- * ۱ . وضع قانون تفریق بودجه ها در سنه ۱۸۱۸ ۵۶۴
- * ۲ . ترتیب مذاکره و رأی پارلمانی - ناخبرات در قوانین تفریق بودجه در فرانسه ۵۶۷
- * ۳ . قوانین بودجه در دوره (رستراسیون) ۵۷۱
- * ۴ . تفریق محاسبات در انگلستان ۵۷۳

فصل آخر

- خلاصه مقررات بودجه ۵۷۹
- * ۱ . خلاصه مقررات بودجه ۵۷۹
- * ۲ . مقصودی که تمام مقررات بودجه بطرف آن متوجه هستند ۵۸۳

بودجه

تألیف

ر. ا. اشتورم

مفتش سابق مالیه، مراسمه و معلم در مکتبسه علوم سیاسی پارس

ترجمه

امان الله اردلان

مابنده مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم و سوم و پنجم تأسیس
مدیر کل سابق وزارت مالیه - وزیر سابق هواپد عامه و نجارب ۱۳۰۲
وزیر سابق بهداری - وزیر سابق دارائی - وزیر سابق امرز کانی و پیشه و هر
۱۳۲۱ — ۲۲ ۱۳۲۲ ۱۳۲۳
وزیر سابق دارائی وزیر سابق دادگشتری
۱۳۲۳ — ۲۴ ۱۳۲۴

چاپخانه علمی

بسمه تعالی

دیپا پیپه

(فصل اول)

توضیح بودجه - حقوق بودجه در انگلستان و در
ممالک متحدہ آمریکا

۱- توضیح کلی بودجه ۲- اهمیت اسبوت حقوق و ...
و اجازه معاملات در تاریخ عمومی معنون و ...
کلیاتی است برای مطالعه و ...
است از سال ۱۸۶۱ تا ...
شدند، نالیان ...
چاپی ...
مستنداتی ...
مالیاتی ...
Prussia در ۱۸۶۲ و ۱۸۶۳ ...
سابقه ...

توضیح بودجه

توضیح نامه در قانون ...
ذیل مندرج است ...
مخارج ...
و باید قرار دهد ...

۳۱ مه ۱۸۶۲) (۱) با وجود احترام و رعایتی که نظامنامه مذکور را سزاوار است بنظر لازم میآید که متن مزبور محتاج بجاهد اصلاح و در حقیقت انشاء این ماده نسبت به بعضی نکات حائز درجه دوم قابل تبدیل است.

قسمت اخیر جمله فرمانیه فصیح نوشته نشده است
Que les lois assujettissent aux mêmes règles که قوانین میتواند در تحت همان قواعد قرار دهند (مقصود از کدام همان قواعد است؟ جمله نامفهوم و ناقص است. راست است که معنی جمله حدس زده میشود ولی باز همین معنی هم مشتبه میگردد زیرا فی الحقیقه هیچ امری نیست که قوانین بتواند در تحت همان قواعد قرار دهد مگر همان امور راجعه بقوانین بودجه مملکتی: امور ابالتی یا ولایتی یا مستملکاتی قواعدی را متضمن است که غالباً بکلی متفاوت با قواعد جاریه بودجه مملکتی است. نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ نیز متوجه این نکته گردیده زیرا خود همان نظامنامه آن امور را جداگانه ترتیب و تنظیم نموده است.

سرف نظر از این مسئله قبل از آنکه از مطالب دور شویم خوبست راجع بیک - میر نفو توضیح خوب عموماً و نسبت بشوضیح کلمه بودجه خصوصاً اشکالاتیکه وارد میشود بشناسیم. برای اینکه امر بخوبی معلوم و واضح شود بنظر کافی است توضیحات دیگریکه در نظامنامه نیم رسمی ۳۱ مه ۱۸۶۲ مندرج است بدواً تدقیق نمائیم قبل از مطالعه آن توضیحات

(۱) توضیح بودجه در قانون محاسبات عمومی ایران موافق ترتیب ذیل است
 > بودجه دولت مندرجست که معاملات دخل و خرج مملکتی برای مدت معینی در آن پیش بینی و تصویب شده باشد - مدت مزبوره راسته دایره میگورند و عبارت از یکسال شمسی < (ماده ۱ قانون محاسبات عمومی مصوبه جلسه ۲۱ صفر ۱۳۲۹)

همینکه مجدداً رجوع به تفسیر نظامنامه مذکوره شود خواهیم یافت که با مطابقت با سایر تفسیرات این توضیح باز بیشتر مفید است. مثلاً مرگیز دو دینفر Lamarquis daudiffere شش جلد برای شرح طرز مالیه فرانسه تنظیم داده و در هیچ جاائی حتی در همان قسمتی که مخصوصاً نظام بودجه نامیده است توضیحی در آن خصوص نداده و تفسیری ننموده است (ژرف کارمی Joseph Garnie در کتاب مطالعات مالیه تقلید از مارگیز نموده و سکوت محتاطانه را از دست نداده است قاموس اقتصادی جمله ذیل را داراست « بودجه عبارت از حساب رسمی عایدات و مخارج عمومی مملکتی است » نظریاتی که بودجه را حساب قطعاً نقطه مقابل یکدیگر است (چنانکه خود این مشاهده آنرا میثمالیم) در این صورت این دو کلمه برای تفسیر و توضیح یکدیگر نمیتوانند یکبار و نند . کتاب لغت آکادمی فرانسه مثلاً ب کلمه بودجه بیان ذیل را نموده که بواسطه طول کلام میتوان بر آن ایراد نمود : « بودجه کلمه مأخوذه از انگلیسی مصطلح ادارات دلتی است که برای توضیح صورت سالیانه مخارجیکه تخمین نموده روجه یا عایداتی که برای آن مخارج تخصس میشود بکار میرود .

قاموس جدید اقتصادی از این اشتباه مخارج نشده و با قلم بر مهارت مسیو دبوآ M Dubois بودجه تعیین را باین ترتیب تشریح می نماید : مقصود در بودجه نمودن و جوی است که موذیان بایستی بلااشتراک برای مخارج امور عمومی بدهند و هم چنین تعیین مصرفی است که باید از این منابع عایدات بشود . قاموس لیتره Dictionnaire Littré بودجه را مثلاً بک صورتی تصور مینماید که هر ساله برای عایدات و مخارج عمومی تهیه مینمایند

ما خواهیم دید که بودجه نه يك صورت و نه يك جدول بلکه يك تصمیمی است
بعلاوه كتاب لغت مزبور برای كمك و معارفت به متن جمله خود بیانات
مختلفه دلخواهانه ذیل را ذكر مینماید: بودجه هیولای بزرگ‌هاهی
قابل تمجیدی است که از هر طرف باوقلابه می‌اندازند و بگتور هوگو
بودجه سالانه زالوی سر بهی است که مدتها خون ملت را مکیده است
بارتلمی Barthélemy . ۴

این استعارات ما را از جستجوی علمی دور مینماید ولی بواسطه
استعانت چند سطر از كتاب سرد عالم هسیو پول لروا بولیو
Paul Leroy beaulieu خوشبختانه باصل موضوع مراجعه مینمائیم:
يك بودجه عبارت از يك صورت پیش بینی شده از عایدات و مخارج است
برای يك زمان معین: این باب جدول تخمینی و تعلیمی از عایدات است
که باید وصول شود و همچنین مخارجی است که باید بمصرف برسد
چنانچه خواهیم در جستجوی جملات و ترکیبات دیگری برائیم دچار زحمت
خواهیم گردیند زیرا در كتاب لغت مالیه از منشآت هسیو بو اتو MiBoiteau
باوجود سراسر اوچه عمومی بودجه و عنوان توضیح که یکی از فصول آن داده
است شامل هیچ توضیح سریعی نیست .

با توجهس در متن نظامنامه ۳۱ مه ۱۸۶۲ و نوشتهات هسیو
Paul Leroy Beaulieu از مطالب بطور کامل مطلع خواهیم
گردید و با ملاحظات ذیل نسبتاً میتوان يك توضیح و تفسیر صحیحی
برای بودجه نمود:

بدواً بجز بودجه مملکتی صحبت ننموده و سایر بودجه‌های ایالتی
و ولایتی و ادارات مختلفه و خصوصاً راکنار میگذاریم. همینکه خیال

بيك نقطه متوجه گردیدمطلب بطور سهولت حل میشود . پس از آن بودجه
 را يك سندی توصیف نموده و يك صورت یا يك جدول آنرا فرض نینمائیم .
 چنان که بودجه های عهد دیر کتوای *Directoire* یا کو نولا
Consulat عبارت از يك رقم عدد بوده و شامل هیچ صورت و جدولی نبودند .
 بعلاوه کلمه ستند بسیار موقع خیال يك سند مهمی و رسمی را در نظر مردم مینماید
 ما بجای کلمه « پیش بینی » مندرجه در نظامنامه ۳۱ م
 ۱۸۶۲ کلمه « تصدیق » را میگذاریم زیرا پیش بینی عایدات و مخارج
 فقط شامل يك لایحه بودجه میگردد (۱)
 ذکر کلمه « قلمی » قابل دقت است زیرا این کلمه بودجه ها را از
 حساب تجزیه و تفکیک مینماید .

کلمه « لایحه » را هم باید از نظامنامه ۳۱ م خارج نمود زیرا
 که اغلب ممالک بودجه خود را برای مدت چند سال رأی میدهند این
 اصلاحات مختلفه منتهی ترکیب جمله ذیل گردیده که بواسطه ابجاز
 و اختصار قابل تصدیق خواهند بود : « بودجه ممالک يك سندی است که
 محتوی تصدیق قبلی عایدات و مخارج عمومی مملکتی میباشد . »

اعا در خصوص تدقیق لسانی اصل کلمه بودجه (سندرق کوچک
 با خوردچین چرمی یا جیب کوچک) تمام مطالعات عالی ذکر آن مطلب
 را نموده و محتاج به شرح و بیان مجدد نیست هیوسای *J.B Say* میگوید :
 « جمله که زیاد مطلع گردیده باید بطور اختصار آنرا بقان نمود مخصوص
 اینکه خیال بودجه در آلسنه و اقوام اقتاد محققاً لازم می آید که بک

(۱) مقصود از لایحه پروژه *Prifet* آن بود که است که نوات پیشنهاد

مینماید در صورتی که پس از تصویب مجلس عبارت از قانون بودجه است .

کلمه ساده و موجز برای بیان آن تهیه شود و از همان موقع انگلستان اولین ممالک است که اختراع این لغت را نموده است .

مملکت فرانسه متأسفانه بر خلاف تا آخرین موقع رژیم قدیم همیشه بزبان جاریه وسایلی برای ترجمه لغت مزبور بکار میبرد در سه جلد کتاب نکر Necker راجع باداره مالیه که در سنه ۱۷۸۴ بطبع رسیده به سولت نمیتوان کلمه بودجه را یافت .

تجسمات قطعی قبل از آن تاریخ در کتاب مالیه فرانسه تألیف رامل Ramel وزیر سابق مالیه که در سال نهم جمهوری منتشر گردیده ثابت مینماید که در آنجا کلمه بودجه اصلاً ذکر نشده است .

در فرامین و احکام رسمی کلمه بودجه فقط از ابتدای قرن حاضر ذکر گردیده است .

نظر بمقدمات علمی سابق الذکر میتوانیم نظریات عمومی تری در اصل و در عمل بودجه بیندازیم .

حق تصدیق و تصویب عایدات و مخارج ممالک متعلق بکدام قوه است؟ این قوه در انگلستان ، ممالک متحده امریکا ، آلمان و فرانسه چگونه خود را فتح نموده است؟ مقدمه طبیعی و شروع به بیان قواعد اصول بودجه از این قرار خواهد بود .

۲- حقوق بودجه

اغلب قوایین مشروطیتهای جدید شامل این جمله اساسی هستند : نمایندگان ملت عایدات و مخارج عمومی را رأی میدهند * امروزه اصول این مسئله بطوری ثابت بنظر میآید که ممکن است بجهت تمذیل قناعت نمود :

* رأی در عایدات و مخارج عمومی با نمایندگان ملت است * نظر باینکه چنین ترتیبی همیشه وجود نداشته پس باید در صورت وجهت آن تفحص نمود که برای چه این حق بملت تعلق میگیرد که توسط نمایندگان خود عایدات و مخارج مملکتی را اجازه دهد ؟

آیا برای آنستکه ملات مالیات میدهد و تحمل هر نوع تسهیلاتی را بینهاید ؟

لذ نقطه نظر ابتدائی منطقیاً در حقیقت اینطور ممکن است گفته شود : * مالیات دهندگان حق دارند رشایات در باب مالیات بدهند زیرا آنها مالیات را میپردازند ولی این نظر مقدمهائی مقرون بصحت نیست زیرا عمل تأدیبهیج عنوان و مناسبت مسبب اشخاص میزان مبلغی پرداختی و تعیین مصرف آن نمیشود .

اگر ما در تحت استیلائی خلیجه واقع شویم آیا ممکن است ادعای ترتیب دادن مبلغ مالیاتی خودمان را داشته باشیم . مثلاً در موقعیکه ناپلئون بعد از جنگ ینادر سنه ۱۷۰۶ ر ۱۷۰۷ سالک غری آلمان هس و وستفالی و هانور و پروس را بدست ژنرال بلارکو گرفت دارو اداره نمود مالیات دهندگان آلمانی که مالیات بفانج خودشان میپرداختند آیا فکر مینمودند که اصل مذکور فوق را دلیل قرار داده و ترتیب اخذ و مصرف وجهی که از جیب شخصی آنها داده میشد خود آنها بدهند ؟ هرگز ! زیرا سلطنت متعلق بشخص ناپلئون و فرمان او امر مالیاتی با اقتدار شخصی او صادر میکردید .

حق اساسی که بر طبق آن اجازه دادن عایدات و مخارج عمومی با ملت است هر بوطه باین اصل نیست . که اعضای همان ملت مالیات را

میبرد از ندانند بلکه تصدیق یابند، چنین حقی از نقطه نظر عالی تر و بالاتری است.
این حق عبارت از حق سلطنت و حاکمیتی است که امر ویژه در دست ملت است.

پس فقط بهمین مناسبت است که چون حکومت در بد اقتدار ملت است حق اجازه عایدات و مخارج عمومی را داراست و اگر ملت حکومت را در دست نداشت بهتر این بود همانطور که پروسیه مالیات را به نایب‌نوم می برداختند او هم میداد. چنین همتی حق مطالبه حقوق بود چه یعنی تعیین جمع و خرج مملکت را دارا نیست.

سرف نظر از اینک مراجع مفتوحات نظامی مناسبت نمایم در حالتیکه مطالب را بالنسبه عادی و يك حکومت اعیانی و یا سلطنت مطلقه فرض کنیم باز ملا حظه میشود که کلیه مالیات دهندگان پرداخت مالیات را نموده و ابد آن‌ها را برای تنظیم و تقسیم ارقام یا تعیین مصارف مالیات مداخله نمیدهند پس حکومت با عملیات حکومت به آنها مربوط و هر جوع نیست. مسیو بوسود در قرن هفدهم در تعلیمات میثبات خود بولیعهدهایسر (لوی چهارم) اینطور ثابت می نماید که اقتدار شاه سه حالت را داراست: (۱) مقدس (۲) موروثی (۳) مطلقه. همینکه يك شاه وجود یافت مردم بایستی راحت و در سایه اقتدار او زندگانی نمایند. از آن به بعد بوسود از مقدمات فوق به ترتیب ذیل نتیجه اتخاذ نمود: گرفتن مالیات متعلق بشخص پادشاه است و فقط شاه باید این حق را عادلانه بموقع اجرا بگذارد. این مرد ملثراً تشویق مینمود که آن چیز را که متعلق بشخص پادشاه است باو آدیه نمایند.

در حالتیکه حق تعیین مالیات ها و مصارف عمومی مربوط بعمل

پرداخت نیست (یعنی حق تعیین مالیات راجع به مالیات دهندگان نیست) پس بطریق اولی این حق به تناسب مبالغ پرداخت شده نیز تعلق نخواهد گرفت . حق تعیین مالیات و مصارف آن مربوط و مناسب با همان حق حکومت و سلطنت است که در دست افراد می باشد . اگر حکومت بطور غیر متناسب در بین ملت تقسیم شده ، اگر قوه اعیانی دارای یک اهمیت قانونی است یا مالیاتی که برای دارا بودن حق انتخاب باید داده شود قسمتی از مردم را از حقوق سیاسی باز میدارد حقوق تقسیم و تنظیم عایدات و مخارج عمومی هم به سطح حاصل نموده یا محدود میشود و این حق مربوط به بزرگ از طبقاتی خواهد بود که متناسب حال خود از اقتدار حکومتی سهم میبرند .

بر خلاف در تحت اصول انتخابات عمومی هر يك از اهالی بطور تساوی در اداره نمودن امور عمومی شرکت داشته و به مناسبت آن ورقه حق انتخاب که در دست اوست مالك حقوقی بر وجهی بر خواهد بود خواه مبلغی مالیات پرداخته یا آنکه حتی هیچ مالیات نداده هم نباشد . این مسئله واضح است که قبح بدست آوردن چنین حق عامی در داخله مالك باعث منازعات شدید گردیده است .

جمله مذکوره : « حق رأی دادن در عوائد و مصارف عمومی متعلق بشما ایندگان ملت است » پس از کشش ها و انقلابات هورتك برقرار گردیده است .

تاریخ این انقلابات بخوبی نشان میدهد که مسئله مانده در زندگانی ملل دنیا از ابتدا چه اندازه مهم بوده و بنابراین مداوم و مراحله مخصوصه راجع به مالیات چه درجه دارای اهمیت است . به علاوه تاریخ بنا اجازه

خواهد داد که در توضیحات آتیه و اهمیت صورت سازیهائی که در
مقدمت امور بودجه است بنحوی درك نموده و بدانیم که بوسی اوقات همکن
است اگر مقدمات آنرا کامل و مسبق نباشیم اینصورت سازیهائیه Formalites
بمنظر غیر مفید بیاید خاصه اگر ندانیم که این مواد در کییات در مقابل چه
فداکاریها در تشکیلات جدید ما مستقر گردیده است .

۳- سابقه حقوق بودجه در انگلستان

انگلستان نسبت به مسئله بودجه از سایر ملل پیشقدم تر بوده است .
از تاریخ قرن یازدهم کمین Comaines گفته است «بعقیده
من در تمام ممالک دنیا که من سناسائی آنها را دارم نقطه که نسبت بمسائل
عمومی بهتر رفتار کرده است مملکت انگلستان است »
همچنین از تاریخ ۱۶۸۸ در هر قع شورش دوم که گییوم در اثر سلطنت
بشخت رسید میبینیم اصول بودجه در مملکت انگلستان تقریباً بطور قطعی
معین و برقرار گردیده است .

چندین قرن قبل از تاریخ «زبور نیز انگلستان اصل ذیل را بموقع
اجرامینکذارده است . «هر مالیاتی بابدیاریت ملت باشد » حقوق بودجه
مملکتی در اصول قدیم آنها مندرج و بگفته ما کولی مسئله بودجه در
مملکت انگلستان بقدری قدیمی است که هیچکسی میدا آنرا قطعاً
نمیخواند معلوم نماید .

پادشاه دارای حقوق معننه نبوده است مگر با کمک پارلمان - ما کولی
میگوید : شرح این اصل بزرک در جای مخصوصی بیان نشده اما در
گوشه و کنار و در تمام قواعد محترم قدیم ما میتوان این اصل را یافت

و بیشتر از همه آن که چهارصد سال استه این مطالب در قلوب تمام اقراء انگلستان نقش بسته است .

و يك و نوری (طرفداران آزادیخواه و محافظه کار آنوقت)
 در این مسائل متفق بودند که قوانین اساسی مملکت مخالف آن است
 که شاه وضع قانون نموده یا مالیاتی بر قرار ما قشون کوچک منظمی نگاه
 دارد بدون اینکه نمایندگان ملت در این امور رضایت داشته باشند (۱)

این سابقه های چهارصد ساله قصد سوئی را که استوار نهادن قرن
 هفدهم شروع بجا برای آن نموده بودند بیشتر مخوف و هولناک مینمود .

این سوء قصد سابقاً نیز در عهد تورن Tudra موجود بوده و
 مخصوصاً هائری هفتم و الیزابت بدفعات مختلفه تخطی باین حقوق قدیمی
 نموده و ولی این تجاوزات همیشه با یک تریب در وضع عوفنی و بطور
 استثناء بوده و پیوسته اصول را محترم شمرده اند .

در خلاف ذلك اول از تاریخ جلوس خودش در سنه ۱۶۲۵ يك
 جنبه منطقی باین دعاوی خود داد ذلك را کتیب امور اساسی داشته و
 موافق تبصره های رسمی سلطنت را فوق قوانین گذارده و امتیازات ملی
 مخصوصاً را جمع به امور مالی براه نافع خود حذف مینمود .

این نقطه نظر بدون آنکه در آن موقع سه خصوصیت های علمی شود
 در قلوب اهالی همان تولید عدم اعتماد نموده و تهیه نزاعی را کرد که
 در عهد پسرش شارل اول ظاهر گردید .

لازم است وقایع را بیشتر مطابقت نموده و در آن خصوص مرتباً

(۱) و يك Whig و نوری Tories دو دسته مصلحه است که در

انگلستان از اوایل قرن نوزدهم وجود داشت و یکی طرفدار آزادی و دیگری
 محافظت کار استند .

یکی بعد از دیگری اجتماعات پارلمانی انگلستان را از تاریخ ۱۶۲۵ تا ۱۶۴۸ انقلاب تدقیق نمائیم.

شارل اول از تاریخ چاوس خود در سنه ۱۶۲۵ مجلس عمومی را دعوت و افتتاح نمود مجلس عمومی کمک خرج مختصری بشاه داد و شاه بیهوده تقاضای کمک و مساعدت های بیشتری مینمود این شخص با یک حالت خجالت آوری جوانی و احتیاجات خود و قروضیکه پندربرای او گذارده بود بمجلس اظهار کرده مجلس ملی در آن خصوص سختی نموده و شاه اسعلال مجلس را که موافق معمول ذیحق بود اعلان و از اسعلال مجلس بوسیله بعضی قروض هیالنی برای خود تهیه نمود.

نظر باینکه جنگ یا اسپانیول نتیجه خوبی نداد شاه پارلمان دریم را در سنه ۱۶۲۹ افتتاح کرد این پارلمان دوم هیالنی را که شاه خواسته بود بطور موقت عطا نمود و ورای قطعی در مورد اعتبارات مزبوره را که حکم قانون میداشت در جلسه اخیر خود موکول نمود.

از سنه ۱۶۲۶ ترتیب معموله حالیه قوانین مالیه انگلستان ایجاد گردیده است باین معنی که خلاصه و جمع نمودن تمام اعتباراتیکه بطور جداگانه قبلا تصدیق و تصویب شده است در آخر دوره اجلاسیه اول سال مالیه بتمام رسیده و رأی قطعی داده میشود.

شارل اول متغیر از این عدم اعتماد مجلس بر خلاف ترتیبات مقرره پارلمانی شروع به تهدیداتی نمود مثلاً بنام پادشاه گفته میشد که :- (تمام ممالک عیسوی مذهب سابقاً اصول پارلمانی را دارا بوده هیتکه سلاطین بقوای خود واقف گردیده و عقاید فاسده مجالس ملی را نیز مشاهده نموده اند کم کم حق تقدم و تفوق خود را بموقع اجرا گذارده و در تمام

ممالک عیسوی مذهب باستانهای مملکت انگلستان پارلمانها را لغو نمودند. معین است چنین بیاناتی باعث رضایت مجالس ملی ندیدند. مجلس رجومی که شاه خواسته بود قطعاً رد نموده و بدون اینکه هیچ وجهی را داده باشد منحل گردید.

وسائل مختلفه صندوق صندوق خالی سلطنتی را موقتاً پس می نمود و برای آخرین وسیله شارل اول جرئت کرده و باقتدار کرد. این قرض مطابق آخرین مالیاتی که مجلس رأی داده بود تحصیل به کلیه اهالی میشد.

فضای درباری سعی نمودند که بوسیله تحقیقات دقیقه فرق امین مالیات و قرض را تعیین نمایند. مطابق نظر آنها چنانچه نمایندگان ملت حتی اجازه دادن اخذ مالیات را دارند هستند مذاکره و ترتیب قرض نیز مربوطه بشخص پادشاه است.

اما این قرض اجباری مالیاتی بود که با تبدیل لباس ظاهر گردیده با وجود تحقیقات و تشخیصات فضای درباری اهالی در این موضوع اشتباهی نمینمودند.

حقوق عمومی و سلطنت ملی بقدر کفایت از سائقه ایام در اذهان اهالی مملکت جایگیر گردیده بود و بهمین واسطه یک عدم قبول و انکار عمومی فرمان مهور بمهر خاصه نمایان را که قرض اجباری را امر کرده بود استقبال نمود.

نظر این مسئله یعنی استنکاف مالیاتی هرچوقت در فرانسه ملاحظه شده و در صورتی که مالیاتهای خلاف قانون نیز وجود داشته است مالیات

با اعتراض مواجه نشده و استنکاف و مضایقه نگرییده است .
برعکس در انگلستان و اخیراً در امریکا مسئله قانونی بودن مالیات
سیب نمایشها و اعتراضات مؤثره بوده است .
دولت انگلستان در سنه ۱۶۲۷ مجبور به حبس اشخاص گردیده
اما این جبر و زجر او را به مقصود نرسانیده بلکه موجبین برای استنکاف
از مالیات بواسطه مراسلات و رجوع محاکمات اغتشاش و هیجان عمومی
را تلقین می نمودند .

پسجنگ رازهایین دستگیر شدگان خود را به خطر انداخته و امر را
به محاکمه سلطنتی رجوع نمودند که در آن محل مباحثات اینمرافعه
برای ملت منافع کاملی حاصل نمود .
معهذا متعاقب قطع روابط با دولت فرانسه وجود و معاونت نقدی
بیشتر از پیشتر محل احتیاج شده ریگ پارلمان سیمی در سنه ۱۶۲۸ دعوت
و افتتاح شد

شارل از ابتدا با يك حالت خشونت و اقتدارى مطلب را به پارلمان
رجوع نمود که معلوم بود باعث حصول نتیجه نخواهد گردید . شاه
اینطور اظهار نمود : اگر پارلمان بوظائف خود عمل ننموده و احتیاجات
مملکتی را در نظر نگیرد شاه خود را مجبور می بیند که بر حسب چندان
خود وسائل دیگری را اتخاذ نماید . بتظر شاه فلسفه مالیه بترتیب
ذیل بود : -

بدون شبهه نمایندگان بایستی اجازه اخذ مالیات را بدهند اما اگر
نمایندگان ملی استنکاف از تهیه احتیاجات نقدیه نمایند یا اینکه احتیاجات
فوری و غیر قابل تردیدی پیش بیاید ، شاه نظر با ولویت حقوق سلطنتی
باید با اقتدار شخصی خود عمل نماید .

نتیجه مشاوره قضات متماقی این بود: « در هنگام ضرورت شاه میتواند مالیات وضع نماید و فقط اشخاص او سزاگم قضیه برای تعیین موقع لزوم است.

شاه خود را قاضی عالی تصور نمود که موروثاً مأمور برستاری ملت خود میباشد و تهیه امنیت و سعادت ملت از وظایف خود است و از طرف خداوند دارای اقتدار و صلاحیتی برای انجام این ابراه است. دارندهوم میگویند: « این باکند بختی فوق العاده بود که شاه از مشروطیت تعبیری که بکلی مخالف در مغایر با عقاید اهلی بود برای خود انتخاب نموده بود.

پارلمان در جواب قوانین حقوقی را که اصول اساسی مشروطیت ۱۲۹۵ را نسبت و تکمیل مینمود از وین کرد.

قوانین حقوقی مزبور در روح مینمود که هر گونه مالیاتی بدون رضایت ملت نمیتوان وضع و اخذ کرد مخصوصاً استقرامن سوانج از قانون و اجباری و همچنین استقرامن اخذی را مینمود.

تاریخ اول بعد از مدتی بر بدو الاخره و نسبه هشار استیجابت بعدی قوانین مزبور را در ۵ غنم ژوئن ۱۶۲۸ بهر خود مجمهور مودرس از آن فوراً اخذ مالیات از طرف پارلمان باز اجوزه داده شد.

معهذا با وجود نهجدهات خودت دولت شاهانه شروع مامند بعدی از مالیاتهای قدیمه نمود مالیات هر بر در بنادر اخذ پارلمان این نازه دریافت آنها بطور موافقت داده و مواعد آن نیز مدتی بعد که مدتی شده بود.

پارلمان چهارم که در ۱۶۶۹ منقذ کرده است قاضی با اروم و مصرف صحیح مالیاتهای مذکوره نموده رای میدهد است آنها را بدهند

اجازه و تصویب نماید بنابراین این مأمورین گمرکی را احضار و از آنها سؤال نمود که مطابق کدام قانون مال التجاره‌هایی که بطور قاچاق بدون پرداخت مالیاتهای مزبوره وارد شده است ضبط مینمایند شارل اول متغیر از خیال فاسدی که از این تدقیقات بروز مینمود در ۱۶۳۹ انحلال پارلمان را اعلان کرد و در بیانیه خود مشارکت و همراهی پارلمان‌الغو را بنطور اظهار نمود که بعدها شخصاً و باقتدار خود حکومت خواهد کرد.

بعد از این مجلس چهارم در سنه ۱۶۴۹ بموقع بحران قطعی رسیده‌ایم - در آن موقع از طرف شارل اول اقدامات عملی برای تصرف اقتدارات مطلقه - مرقاری و اخذ مالیات‌های جدیدم بدون اجازه نمایندگان ملت شروع گردید و شارل با تصمیم آنکه دیگر پارلمانی را دعوت و ایجاد ننماید باقتدار شخصی خود شروع به اخذ عواید گمرکی بنادر نمود به علاوه شاه انحصار درستی را در صابون ، چرم ، نمک و غیره ایجاد نمود و چون بالاخره این عوائد جزئی کفاف احتیاجات او را نمی نمود شارل بموجب فرمان موقه مالیات جدیدی باسم مالیات کشتی مقرر نمود. سابقاً در موقع جنگ ، حکومت های قدیمه اهالی بلوکات را مجبور مینمودند که مسلح شده و تشکیلات دفاعی بدهند و همچنین از نواحی ساحلی دریا تهیه کشتی‌ها را خواستار بودند و بعضی اوقات هم در عوض کشتی پول قبول مینمودند . مقصود و نظر حالبه این بود که در موقع صلح با يك تریب دائمی چه در داخله مملکت و چه در سواحل دریا آن چیزی را که سابقاً در موقع اجبار و احتیاج لازم بود حالبه نیز بر قرار نمایند ما کولی گفت « امام ملت وحشت نموده و غضبناکه شدند » .

از قرار مذکور بدون شبهه شارل اول از روی عقیده مساف وجود
مالیت کشتی‌ها را برای مرمت و تکمیل قوای دریایی انگلستان بکار
میبرد ولی با وجود این مات نمیتوانست اخذ يك مالیت غیر فابوئی را
چون رضایت در آن مالیت ندادند بود بخود هموار نماید .

هم حن یکی از مخالفین معروف ازیرد اخصت سهم خود که ۲۰۰
شلنگ با نفع بود است تکاف نمود .

این مخالفت او را بمعرض تمام سختی‌های محاکمات میگذاشت
دفاع محاکمه او در مدت دوازده روز مورد مباحثه گردیده و هلت با
یک وطن پرستی حرارت آمیزی صورت محاکمه را تعقیب مینمود زیرا
مقصود از بیست شلنگ مالیت هاندن نبوده بلکه مسئله راجع به حقوق
بودجه بود و اینکه معلوم شود حق برقراری و اخذ مالیت باقی است؟
حکومت در دست کیست؟ در این موضوع بود که مباحثه و مناقشات مزین
هلت و شاه بمیان آمد .

چنانکه پیش بینی شده بود هاندن در محاکمه معلوم گردید
ولی هیجان عمومی کار خود را نمود یعنی مات بیدار شده و با حالت
اضطراب زنجیرهایی که برای بستن او حاضر نموده بودند مشاهده نمودار
آن بعد برای مات این مسئله واضح شد که هنر ولایت و آزادی سیاسی
او بواسطه غصب و ضبط حقوق بودجه در خطر است .

از عهد مارس ۱۶۲۹ تا اوت ۱۶۴۰ پارلمانی وجود نداشت
یازده سال زندگانی بدون مجلس ملی بنگ و آقامه نشیندی را در تاریخ
انگلستان ثبت نمود .

تذکره ها فواصل پارلمانی را قرن بقرن هم میتوان حساب نمود
در مدت این یازده سال دولت مداومت در اخذ مالیت‌های رقراری

خود نمود . بعلاوه املاک سلطنتی را برهن گذارده و قرض می نمود تا اینکه در آخرین درجه لاعلاجی لازم دانست در سنه ۱۶۴۰ مجلس را را دعوت و افتتاح نماید .

شارل اول باین مجلس پنجمین حق داد که مالیات کشتی ها را لغو و انقا نماید و گفت « هرگز مایل نبوده است این عایدی بلك مالیات ثابتی بشود و بشرافت خود متحد گردید که بدون رضایت ملت مالیاتی نگیرد » اما حالت ظاهری مجلس بشاه اینطور می فهماند که مجلس اندازه وجهی که شاه لازم دارد مساعدت نخواهد نمود و خیالات شخصی شاه هم با این تصور مخلوط و مجلس را با يك وضع سریع و شدیدی متفصل و هیچ مقصودیرا هم از او حاصل ننمود .

قبیل مدتی بعد در همان سنه ۱۶۴۰ ششمین و آخرین پارلمان منعقد شد که باید او را پارلمان طویل نامید زیرا بعد از شاه هم این پارلمان باقی بود

نمایندگان جدید ملت شروع باحصار مأمورین اخذ مالیات نموده و پس از محاکمه مأمورین اخذ مالیات کشتی ها را مجرم خواندند . پس از صورت اعتراضاتی و ترتیب و برای تحریک مردم تمام خلاف قانونها و تقضای قواعد را نسبت باصول اساسی که شارل اول نموده بود در آن درج و انتشار دادند .

در سنه ۱۶۴۳ شاه مجبور بترک شدن گردید کمی بعد بلك جنگ داخلی مابین سلطنت و پارلمان یعنی آن دو قوه که در انگلستان محترم ترین فواست شروع گردید .

چنان که می دانند این جنگ در سنه ۱۶۴۸ به اسارت شارل اول که در ۳ ژانویه ۱۶۴۹ در جلو قصر وایت هال اعدام شد

ختم گردید.

بیان وقایع مهمه این منازعه و تفاسیل غم انگیز آن را تاریخ
عهددار است.

بدون شبهه در مدت چیران این بیست و سه سال فقط مسائل
بودجه که مخصوصاً در این کتاب ذکر میشود تنها وسیله و محرک این
انفصالات بوده است ولی همین مسائل مالییه در مقدرات انگلستان دستی
داشته است که مورخین اهمیت آنرا بخوبی میشناسند زیرا الزوم معاونههای
نقدی بوده است که شاه را مجبور باسقاط پارلمان مینمود. مباحثات
را جمعه بمالیه بوده است که باعث تهییج و تجدید منازعه میگردد بقراری
حالیات های غیر قانونی و مخصوصاً ایجاد مالیات کشتیها بود که بسیاری
از عوانع بزرگ در مقابل شاه شده و بالاخره سبب قطعی شورش سنه
۱۶۴۸ گردید.

پس از شورش سنه ۱۶۴۸ در موقعیکه مثل استوارها را همراه
آورد اوضاع مرتب نبود. شارل دوم مثال پیشینیش را در
عایدات مستقلی را دارا بود (از قبیل بعضی مالیاتهای مستقیم و بعضی
معاونههای نقدی دائمی یا ماهیانه)

مشارالیه جز برای کسر عایدات نسبت به تنعم احتیاجات مالی و ملی یا
کلیه ضروریات فوق العاده پارلمان رجوع نمینمود.

در هر صورت کلیه این عایدات از منبعی که بود میخواهد در دست
شاه و بدون تعیین و تفتیش بمصارف شخصی شاه و مصارف دولتی میرسید
با این ترتیب در سنه ۱۶۶۰ شاه خود را مجبور دید که امور شخصی خود
را پارلمان بیان نموده و طلب استمداد از آنها بنماید. از موقعیکه من
(یعنی شاه) وارد شده ام اوضاع من طوری نبوده است که حتی یک شلینگ

به برادرهای خود بدهم یا آنکه میز غذای دیگری غیر از میز غذای خود داشته باشیم چیزی که بیشتر بمن اثر میکند اینست که اغلب شمارا می بینم به رأیت حال آمده و ناچار هستی که برای صرف غذا از آنجا بیرون رویی.

در موقع دیگر رسیدگی بمخارج شخصی خود در این مجلس رجوع نموده و از تخمیهات خصوصی خود که در سال گذشته برای او گران تمام شد شکایت مینماید.

بالجماعه مسئله اختلاط مکتب شخصی پادشاه و عوائد عمومی را پارلمان میبایستی اصلاح و مرتب نموده و بدین سبب نظارت و تفتیش مؤثری در اداره شدن کلیه عوائد مملکت داشته باشد، برای نیل باین مقصود پارلمان سعی نمود که بعضی مالیاتها را اجازه ندهد (مخصوصاً وجوهی که برای ساختن کشتیها لازم بود) مگر این قبیل صورت بر آورده مخارج را مذاقه نموده باشد.

باین ترتیب پارلمان تصور مینمود که وجوه حقیقت بمصرف خودش خواهد رسید مطابق گفته داوید هوم عاقبت کار نشان داد که یکصد هزار لیره اضافه خرج شده است.

چندی بعد در سنه ۱۶۶۸ يك کمیون مخصوصی که از طرف پارلمان تعیین شده بود خواست بمحاسبات مخارجی که نسبت بمعاذنت های نقدی شده است رسیدگی نماید کار این کمیون بواسطه نبودن اسناد راجع بتقریباً مبلغ یکک هلیون و نیم مخارج بمهدده تعطیل افتاد. شاه بر خلاف میگفت که مباحثی هم از جیب خود مصرف نموده است.

ضمناً منازعات قدیمه مابین سلطنت و پارلمان مجدداً ترغیب و

این مرتبه مخصوصاً منازعات بیشتر بواسطه عقاید مذاهبی دامن زده میشوند مسائل مالیّه نیز در این منازعه مقامی را دارا ولی نسبت بدفعه اول در درجه دوم واقع میگردد.

تعطیل بی دربی پارلمان غالباً پیش آمده و طولانی گردید. در یکی از تعطیلات پارلمان بود که شاه بدون اینکه چرنت در اقدام بوضع مالیات های خود سرانه استبدادی نموده باشد وعده منسب و لقب خزانده داری را بکسی میداد که او را از فلاکت مالیّه نجات دهد و شاف تزویری در حالتیکه در دوم ژانویه (روز موعود استرداد وجوهی که بخرزانه داده شده بود اداره مالیّه را بست دارای این مقام گردید.

این تعطیل ناگهانی در پرداخت وجوه تزلزل بزرگی در امور انداخته و باعث ورشکستی اغلیبی از بانکها گردید این تنها افلاسست (دوم ژانویه ۱۹۷۲) که انگلستان در تاریخ مالیّه خود خود مشراً مورد ملامت قرار داده است با وجود این مسکلت در آینده سده دهد گذار را چیران خسارت نمود.

در تحت سلطنت ژاک دوم منازعه مابین پارلمان و شاه بیشتر از عهد برادر ارشدش وجود داشت و با یک حکم ساده امر بدریافت رسوم مشروبات نمود این مالیات فقط برای مدت سلطنت شاف درم بدینا شده بود. شاه در جواب اعتراضات مجلس در اینخصوص اینطور اظهار نمود " ترتیب حاضره که وجود غیر کافی و بحدت معین برای من تهیه میشوند وسیله خوبی برای این میشود که پارلمان غالباً منقاد باشد اما من بشما صریح بگویم که این چنین وسیله ممکن است بمقتود تر صد بهترین وسائل برای اینکه من شما را مجتمع نمایم این است که ما من بهتر رفتار نمایم.

همان میل بدانشتن اقتدارات مطلقه و همان لیجاستها برای اخذ
مزایات بدون اجازه پارلمان در پیش استوارت‌ها .

بعد از شورش ۱۶۴۸ مثل قبل از زمان شورش وجود داشت و این
خیالات در هر دو موقع همان نتایج را نیز دادند .

بدون اینکه در مرتبه دوم داخل جزئیات بشویم چونکه مخصوصاً
مسائل مذهبی هم در اینموقع تفوق باعور غالبه داشت خاطر نشان کردن
این مطلب بنظر کافی میآید که یک شورش جدیدی در سنه ۱۶۸۸ باین
مسائل خانهداد .

گلیوم سوم در سواحل انگلستان فرود آمد و بانفایق
یرانس ماری بتخت سلطنت بجای شاه منلوب فراری یدر زن خود
جلوس نمود .

گلیوم بتخت سلطنت فتح اصول مقرر ملی را که تیم قرن
بود بیان شده بود در بر داشت و این اعمال پارلمان پس از شورش ۱۶۸۸
راجع بامتحکام این اصول بود باین مناسبت یک تجزیه کاملی ما بین
عوائد شخص سلطنت معین شده بود کاملاً از مصارف مملکتی مجبری
گردید و از اینجا اصل و مبدأ بودجه سلطنتی از یکطرف و جوهری را
که شخص شاه میتواند بمیل خود مصرف نماید معلوم نمود و از طرف
دیگر عوائد و مصارف مملکتی که اداره نمودن و نظارت در آن قطعاً مربوط
بنمایندگان ملت است معین میکند پیدایش میگردد .

فرانسه در سنه ۱۷۸۹ مثل انگلستان در ۱۶۸۸ ملتفت شد که
میشا و شرط اساسی تشکیل یک طرز مالیه مرتبی مربوط به برقراری
بودجه سلطنتی است . داود هوم میگوید : تا در آن موقع ما بین و جوهری
که برای مصارف و جوهری که برای مخارج مملکت معین میشد هیچ

فرق و تشخیصی نبوده و مصرف هر دو مبلغ بمیل و اراده شاه بود از آن
بعهد وجوه معینی برای اداره نمودن امور درباری و مخارج سلطنتی و
بقیه عوائد مملکتی بتصویب و اجازه پارلمان مقرر گردید.

در بودجه درباری بعضی مخارج تقریباً تغییر ناپذیر را پارلمان
ضمیمه نمود. هیئت مجعوعه این مخارج از قبیل منافع که باستقراض
عمومی باید داده شود و بعضی عطایای مختلفه تشکیل یافته است از وجوهی
را میداد که یکمرتبه نسبت به همگی آنها رأی داده شده و در تحت
عنوان وجه مدائمی نامیده شده و امروزه هم در تحت همان عنوان ملحوظ
است *Fonds Consoli des* تمام مخارج دیگر عمومی مملکت در
تحت اقتدار مستقیم پارلمان قرار گرفته و هر ساله پارلمانی در باره آنها
پارلمان رأی دهد. راجع بحالیات نیز قانون بودجه که در سنه ۱۶۸۸
بامضاء رسید تجدید بقضی صلاحیت این امر را نموده و اجازه و تصویب
آنها موکول بمجلس نمایندگان مملکت نمود.

اساس آنچیزی را که ما حقوقی به وجه نامیده ایم باین ترتیب معلماً
در سنه ۱۶۸۸ در جلوس کلیوم ۳ در اسکاتلند برقرار گردید. از آن
بعهد پارلمان مالک حق بلاعبارش اجازه دادن و تصویب نمودن تمام
عایدات و مخارج عمومی گردید و تمام مطالب در همین سنه
اساسی بود.

تکمیلات آئنده خود بخود از اجراء و اعمال این اصل اساسی
جاری و مطابق گفته رینالدر حل مسئله به وجه برای اسکاتلند دفعه واحده
وسيله واستحکام آزادی نیز گردید.

ع - اصول حقوق بودجه در ممالک متحده امریکا

مسائل بودجه در نتیجه جنگی که در آخر قرن اخیر برپا

استقلال امریکاشد مقام قابل ملاحظه را اشغال مینمایند .

پارلمان انگلستان که از جزیره انگلیس در آنوقت به مستملکات وسیعه در امریکای شمالی حکومت مینمود در ۱۷۶۵ تصور نمود که مختاری که دولت انگلیس برای حفظ و حمایت امریکا مینماید بوسیله مالیات بدانجا تحمیل شود بدین جهت در هشتم ماه مارس ۱۷۶۵ برقراری مالیاتی راجع به تمبر در امریکا امر داده شد. تا آنوقت نیز با وجود حالت تابعیت امریکا بدولت اجنبی مالیات را خود برای خود وضع می نمود .

چارج گرنویل این بدعت جدید را برای جلوگیری از سوء اثر در نظر امریکائیه با کمال ملاحظه ایجاد نموده و مخصوصاً اخذ حقوق جدید تمبر را باشخاصی غیر از مأمورین امریکائی رجوع نمی نمود .

در ابتدای امر مسئله ساده و آرام بنظر آمد اما بزودی مجلس محلی در تحت نفوذ یکی از اعضای خود (یاتریک هنری) در این موضوع پروتست سخت نمود . و از پرداخت مالیاتی که پارلمان انگلستان - پارلمانی که در او نمایندگان امریکا مداخله ندارند برقرار نمود جداً انکار و استنکاف کرد .

مجلس محلی میگفت « این مسئله مسلم است که فقط مجلس عمومی مستملکاتی حق و اقتدار تحمیل مالیات بساکنین خود دارد » .

این اعتراض مجلس محلی مثل جرقه بود که ملت را مشتعل نموده و از طرف مأمورین نمایندگان انتخاب و در شهر نیویورک مجتمع گردیده در ماه اکتبر ۱۷۶۵ بیابیه ذیل را اشاعه دادند « چون کلیه مالیاتی که به سلطنت داده میشود عطیه آزادی است از طرف ملت بنابراین خارج

از مناطق و برخلاف قوانین مشروطیت انگلیس است که پارلمان بر پادشاهی
 کبیر داریائی اهالی مستملکات را ، باعلیحضرت پادشاه بدهد .
 این مسئله خوب دیده میشود که دلیلی را که دولت انگلستان
 برای حفظ خود در مقابل شاه و برای آزادی داخلی خود در یک قرن
 قبل بکار میبرد امریکا نسبت به حق خود سبب آرام انگلستان قرار میدهد
 در مقابل چنین هیچجائی پارلمان انگلیس خود را عقب نشینده و مالیات
 تمر را تسخیر نمود و این امر در ۵ مارس ۱۷۶۶ یکسال پس از برقراری
 آن واقع گردید .

بدبختانه دولت بریطانیای کبیر باز بنحیال حکمرانی و نفوق خود
 افتاده و در ۲۹ ماه ژوئن ۱۷۶۷ بحای مالیات نمبر عوارض شیشه ، کاغذ ،
 رنگ و چائی را برقرار نمود .

تصرفه این چهار مالیات چندان زیاد نبود زیرا کلیه عایدات آنها
 متجاوز از یک میلیون فرانک نمیکردید . مقصود از این مالیات بیشتر راجع
 باصول مسئله و کمتر مربوط بجنبه مالی آن بود و از همین نظر بود که
 مباحثات را تجدید و نهیج می نمود .

امریکائی ها میگفتند (کبیسه های ماحاضر است وای مایم نخواهیم
 مثل یک نفر عضو آزاد عملات مالیات دهیم نه مشارک و غیر ملامت ز خرید)
 واشینگتن میخواست (مقصود چیست و در آنچه مناره داریم آیا پرداخت
 یک مبلغ جزئی مالیات چائی است ؟ نه ؟ پس فقط راجع بحق ملی است
 که معاضدیت مبتعالمیم) .

خبر برقراری عوارض جدید باعث هیجان عظیم در تمام مستملکات
 گردیده و اعتراضات از هر طرف شروع گردید . در پارلمان انگلستان
 هم اظهارات شد که فقط خود داور حق و ضم مالیات برای خود دارند

لرد چانام گفت: - دقتی ما در این مجلس رای برای يك مالیاتی میدهم
این رای مربوط بان چیزی است که متعلق بخود ما است. نسبت به امریکا
چه میخواهیم بکنیم آیا ما یعنی پارلمان انگلستان باید دخالت در مالیه
مجلس امریکا نمائیم؟ و اضافه میگرد که (مانستوائیم بدون رضایت
آنها بول از جیبشان بیرون بیاریم)

مجلس محلی مستملکات پیشنهاد مجلس و پرزینتی را پیروی
نموده متعهد شدند که تاقانون مالیاتی ۱۷۶۷ نسخ و الغاء نشده بکلی استعمال
هل التجارة انگلیس را متروک دارند.

خانها هر نوع زینتی که از انگلستان میآمد مرعود نمودند و جرایم
آنها را در این موضوع بربک می گفتند. چقدر ما این جنس نسوانرا
تنها باوجهات طبیعی دلربا می بینیم مخصوصاً که يك وطن پرستی عالی
زینت آنهاست.

شهر بوستون بواسطه مقاومت سخت مخصوصاً بیش از همه خود را
معرفی نمود.

پارلمان انگلستان احتیاط را از دست نداده و مجدداً قانون مالیاتی ۱۷۶۷
را لغو نمود ولی برای اینکه حق قنوق خود را ثابت نماید مالیات چائی
را بحالت خود گذارده و فقط عوارض دیگر را که راجع بشیشه و رنگ و
کاغذ بود لغو کرد (قانون ۵ مارس ۱۷۷۰).

این مالیات تخمیناً عبارت از سیصد هزار فرامک بود ولی چون
برقراری این مالیات مختصراً که تنها از يك محصول (چائی) گرفته میشد
علامت و عبارت از يك اصول اساسی بود باعث شورش عمومی و جنگ
استقلال امریکا گردید.

اغتشاش و قتل در شهر بوستون غارت کشتیهای کمپانی هندوستان

آنداختن بارهای چائی آن کشتیها بندر باقدغن شرب چائی در تمام مستملکات
آبتدائی مخالف و اولین جوابی بود که از طرف امریکا، آنها بقانون ونجم
مارس ۱۷۷۰ داده شد .

حکومت انگلستان با وجود نصیحت و مواعظ بورك و لرد چانام
در تصمیحات خود لجاجت نمود امریکا در لشکره فیلادلفی در سنه
۱۷۷۴ این بیان نامه حقوقیر اشاعت داد : - ما هر نوع خبیان و نظریه
واجب بمرقراری عوارض داخلی و خارجی را که بدون رضایت امریکائیها
اخذ يك مالیات بر او نظر داشته باشد بکلی لغو مینمائیم . *

در ۱۹ آوریل ۱۷۷۰ جنگ کوچک اندسینگتن واقع گردید
قشون مرتب گردیده واشینگتن ریاست آنها برقرار و در چهارم ماه
ژویه ۱۷۷۶ استقلال امریکا اعلام گردید چنانچه همه میدانند جنگ
بمعاهده ۳۰ نوامبر ۱۷۸۲ ختم و این معاهده تماماً واسطه معاهده مسلح
۱۷۸۳ تصدیق گردید و استقلال و مشروطیت ممالک متحده امریکا
شناخته شد از تاریخ ۱۷۷۸ در موقع جریان خدمت پس از شکست
یارلمان انگلستان عوارض چائی را نیز نسخ و مخصوصاً بیان نمود که
هیچگونه مالیاتی منبهدر امریکا از طرف پاره این انداستن برقرار
نخواهد گردید . * قانون یازدهم مارس ۱۷۷۸ . *

بطور خلاصه در ابتداء وضع مالیات نمبر و بعد برقراری مالیات
چائی سبب قطعی جنگ استقلال امریکا گردید .

در این جائیز فتح حقوق بودجه بانث فداکاری (۱) بزرگی گردید
و منازعات شدید بطوریای را بعرضه ظهور و وجود آورد .

۱- اگر در هزارندکاری مالی هم صحبت امامیم جنگ استقلال امریکا برای
آنها منجاوز از ۲ ملیارد نیم تمام گردید

این فورمول و ماده که بر حسب ظاهر ساده است و به فضل الهی امروز مخالفی ندارد چه سابقه‌های حقوقی را بنحاطر می‌آورد .
این اصل عبارت از همان کلماتی است که گفته ایم ، اجازه دریافت عایدات و مصرف مخارج عمومی مربوط و متعلق بنمایندگان ملی است .

۵ - حقوق بودجه در روس

مشروطیت ۳۱ ژانویه ۱۸۵۰ در مملکت روس رأی در باره عایدات و مخارج عمومی را از طرف نمایندگان مملکت بیک طرف قضی ضمانت نمود مهذا پس از تاریخ مشروطیت از سنه ۱۸۶۲ تا سنه ۱۸۶۶ دست اندازی های بزرگ بحقوق بودجه پارلمانی وارد آمد .

وکلای مجلس روس در سنه ۱۸۶۳ استنکاف از مشارکت در نقشه و ترتیب تشکیلات جدیده قشون نمودند ، این تشکیلات که از طرف دولت پیشنهاد شده بود عبارت از برقراری طرف قشون گیری اجباری عمومی بود .

و کلاً باید رأی قلمی اعبار این که برای تدارک و مخارج این تشکیلات بود از بودجه حذف و خارج نمودند - می‌بود بیز ماک که برای اولین دفعه در آن موقع مقام ریاست هیئت دولت را اشغال نموده بود کلیه لایحه بودجه را از مجلس نمایندگان استرداد نموده و اظهار داشت که لایحه بودجه را بدون رفورم قشون نمیتواند پیشنهاد نماید .

بیز ماک جرئت نموده بطور موقت لایحه بودجه را مستقیماً در مجلس اعیان در تحت مشاوره و مذاکره آورده و در مجلس اعیان نیز

مطابق پیشنهاد دولت لایحه مزبوره را تصویب نمود بودجه سنه ۱۸۶۳ که از طرف مجلس اعیان فقط تصدیق گردیده و در حقیقت يك مجلسی او را تصویب نموده بود که از طرف آراء عمومی منسحب شده بود و موقع اجرا گذارده شده ترتیب مزبور بکلی مخالف و ناقص مشروطیت ۳۹ ژانویه ۱۸۵۰ بود و کلاً نیز پروتست شدیدی در این موضوع بر حسب لزوم نمودند این بی ترتیبی سه سال عتوالی در سنوات ۱۸۶۴ و ۱۷۶۵ و ۱۸۶۶ معمول گردیده و چهار بودجه بی دردی باین شکل بدون تصویب قوه مقننه مجری گردید.

فلسفه منطقی که مسیو دو بیزمارک اقدامات خود را به آن حتیکی میداشت از قرار ذیل بود:

(زیرا برای هر عملی همیشه دلایل و راهینی میتوان در نمود) مجلس ملی ب حقوق مطلق تهیه بودجه را نمیتواند در همه موارد ۶۷ قانون اساسی ۱۸۵۰ میگویا، قوه مقننه متحداً و همگام از طرف شاه و مجلسین بموقع عمل گذارده میشود.

اگر اختلافی پیش بیاید مشروطیت یروس حل آنرا معلوم نموده است که کدام طرف باید بطرف دیگر تسلیم شود و اگر بودجه تهیه و برقرار نشود بر طبق گفته بیزمارک حالت بی ترتیبی و بی نظامی را ایجاد میکند و چون مشروطیت هم حلی برای آن تصور اندوده پس حل حقیقی مسئله باید در يك ائتلافی بشود چنانچه باز هم اوقتی حاصل شود تولید منازعه خواهد گردید و چون زندگی و اداره يك مملکت ممکن نیست بحالت تعطیل و تمویق بماند و این منازعات بالاخره منتهی به اعمال قوه میشود پس کسیکه قوه در دست دارد بر طبق عقیده خود شروع بعمل خواهد نمود، (۲۷ ژانویه ۱۸۶۳)

باید ملاحظه کرد که بچه امثال سختی بیان پارلمانی صدر اعظم
آلمان خاتمه یافت .

بدون اینست که باطرف مختلفه این منازعه نظر اندازیم نتیجه
اختتام آنرا بیانت مینمائیم - کردار و اعمال دلائل دولت را تعیین و
تثبیت نمود .

در سنه ۱۸۶۶ جنگ مابین پروس و اطریش شروع گردید محاربه
از دم رفودم نظامی پروس که بر علیه مقاومت مجلس ملی بموقع اجرا
گذاشته شده بود عملاً نشان داد و مجلس ملی تسلیم گردید .

چیزی که قابل ملاحظه شد این بود که پس از این ضربه شاه و صدر
اعظم بایک حالت تسلیمی نسبت بخلاف قانونیکه در این مدت مرتکب شده
بودند از مجلس ملی معذرت خواستند پادشاه کلیوم اینطور بیان نمود
(در این سنوات اخیر بودجه بتوافق نظر نمایندگان ملی تعیین نگردیده
و مخارج عمومی که در این مدت شده اساس قانونی را نبوده است .

شاه با این ترتیب بخلاف واقع شده اقرار و از مجلس تقاضا مینماید
که با او مساعدت نموده بودجه را مجدداً بمجرای قانونی خود وارد
نمایند و شخصاً راعده میدهد که بعدها از ترتیب قانونی خارج نخواهد
گردید . شاه به بیان خود میافزاید « با این ترتیب منازعه خاتمه دائمی
خواهد یافت »

این موضوع سر مشق و نمونه بزرگی است که بهتر از بیان هر فلسفه
اسول حقوق بودجه را نشان میدهد زیرا یک حکومت و دولت قانع نیز
در جلوی یک چنین حقی تسلیم میشود .

فصل دوم

سابقه اصول حقوق بودجه در فرانسه

تا ۱۶۱۴ سابقه اصول بودجه در فرانسه دوره اتاژنر و پارلمنت طبقاتی مملکتی خصوصیات این مجالس و قدر شناسی احوال و صورت اجتهادات آن دوره آنها سلطنت مجالس مزبور را گاه گاه بلكه آلت عالی فرار میدهد.

۲۵ دوره پارلمان ۱۵ - پارلمانهای قلمی را که از سنه ۱۶۱۴ از طرف اتاژنر آزاد گمارده شده بود اشغال مینماید. این پارلمانها که بابت جانشینی آنها را ندارد لوی چهارم زبان اعضاء پارلمانرا بسته وآنها را ساکت مینماید. تحت سلطنتی در پارلمان حوادث شخصی غالباً برنوائد همی ترید داده میشود.

تا ۱۷۸۹ پارلمانی دوره تشکیل یا تأسیس اصول جدید عایدات بدون مشارکت از سنه ۱۷۸۹ از طرف نمایندگان ملت برای داده میشود. رفتار اتاژنر و بیانات مجلس ملی راجع به موضوع عایدات و وظائف نمود در دوره انقلاب نسبت به مخارج اساس مملکتی ایجاد نگردید. حقوق نمایندگان مملکت هم با اسباب دوره و سنه واسپون راجع به مخارج همیشه مورد مباحثه بوده است. پس از آن در آینده حقوق بودجه شامل تمام اقسام آن اعم از عایدات و مخارج گردید.

تاریخ سابقه حقوق بودجه در فرانسه - دوره اتاژنر و

تاریخ بودجه فرانسه را بر سه دوره و زمان میتوان تقسیم نمود:
اول اتاژنر - دریم پارلمانها - سوم دوره تأسیس اصول جدید.

دوره اتاژنر در سنه ۱۶۱۴ در موقع سفر سن لوی سیزدهم در نیابت سلطنت هاری دوهدیسی خاتمه یافت. از آن تاریخ تا سنه ۱۷۸۹ نمایندگان ملت دیگر اجتماعی نمودند. همانطور که زمان اختتام این تأسیس را در فرانسه بسهولت میتوان معلوم نمود تعیین تاریخ ابتدای تأسیس آن نهایت اشکال را دارد بعضی از هودنرین اصل تأسیس اتاژنر را از سنه ۱۶۲۲ در زمان فرانسوا اول در مقدمه قانون اساسی دانسته اند.

(قرائین فرانکها که فرانسه را مسخر کردند)

پس از آن تاریخ دعوت و اجتناع معروف باسم شان و مارس
شان دمه بمیان آمده است.

امروز بجای این قصص اطلاعات تاریخی مورخین عالم بما نشان
میدهد که تا قرن هفتم هیچ مجالس عمومی ملی وجود نداشته است. پس
از آنهم کنوانسیون ژنرالیس نیز مجالس عمومی ملی نبوده اهالی در
آن مجالس حضور بهم نمیرساختند مگر در تحت از امر رؤسای محلی
خود از قبیل کنتها و کشیشها شاه دور و خارج از دحام فقط با اشخاص
بزرگ مذاکره مینمود. مشارایه در جلسه اختتامیه خود را بملت نشان
داده و شخصاً در آنموقع نطق مینمود و یا وزیر دربار نطق شاه را قرائت
میکرد. و منتها اهمیت مردم تحسین نطق شاه بوده است تفصیل این
وقایع با یکم معلومات واسعه در کتاب سیو فوسل کولانز کاملابیان
شده است (۱)

در قرن وسطی مجالس فتوداک مرکب از اعیان و ملاکین و
کشیشهایی بوده که پس از وعده یک مبلغ مالیات بشاه خود را مأمور وصول
آن مبلغ از رعایای خود مینموده و بدون مشورت آنها رجوع لازمه را
دریافت میداشتند مطابق گفته سیو ویرتی تصور این مجالس فتوداک
بهتر از مجالس نمایندگان ملی شخص را بخیالات و امثال چندیدند انداخته
و تطبیق موضوعات خرم یا قرون وسطی و تأسیسات فتودالیت غیر متناسب است
(مطالعه در اصول عالییه فرانسه)

اولین مجلس اتانزرو که بمسائل عالییه اشتغال ورزید در سنه
۱۳۱۲ در دره سلطنت فیلیپ لیل بود چند سال قبل فیلیپ لیل یکمده
از بارنهاو کشیشها را نزد خود جمع آوری نمود ولی نظر باینکه اشخاص
(۱) از آن بعد پروفوسور ژوآن کلوبیخ این عهد را در چندین جلد تصنیف نموده است.

مزبور اظهار داشتند که اقتدارات لازمه را برای مجبور نمودن مالیات دهندگان نداشتند تصور نمود که با رجوع به نمایندگان حقیقی ملت بهتر می تواند رجوعات لازمه را برای کمک خرج شود تحصیل نماید .

بنابر این جلسه ۱۳۹۴ در قصر سیته دیاریس در نمایندگان نامه منعقد گردید . اعضاء حاضر این طور بیان نمودند که برای کمک بشاه حاضر و هر يك بمقدر قوه خود مساعدت خواهند نمود . نظر بهمین مهم فوراً جلسه ختم گردید و شاه بر حسب حکم شخصی خود چند فقره مالیات برقرار نمود .

پس از دوره فیلیپ لبل در دوره سلطنت لوی دهم و فیلیپ لالنگ و فیلیپ ششم فقط سه دوره اناپروان سیو با اتاژرو قابل ذکر هستند تا به مجلس مهمی که در دوره سلطنت ژان منعهت گردید و یک ششال مرتبی را دارا بودند برسیم .

در آخر سنه ۱۳۵۵ در موقعی که جنگ با انگلستان در گومت تمام وسائل مالیه تمام گردیده و ژان لین از مجلس اتاژرو که در دوم دسامبر ۱۳۵۵ در پاریس منعقد شده بود اجازه مالیات نمک را تحصیل نمود .

پس از شکست پوانی که پادشاه فرانسه اسیر گردید بدعوت ولیم پنجم مجلس اتاژرو در سنوات ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ برای رأی در وجوه لازمه بخاطر مداومت جنگ با انگلستان و فدییه پادشاه منعقد شد . در اکتبر ۱۳۵۶ سنه و کلاً به هشتصد نفر رسیده و چهارصد نفر از آنها از طبقه تجار و ملاک بوده و یک حرارت انقلاب آمیزی داشتند . ولی مدت آن خیلی کم و بطول نیانجامید .

در این اوائل سلطنت شارل پنجم مجلس منعقد نگردیده و
بگفته ژارژی کو شاه جدید تا احتیاجات مهمی روی ندهد مایل
بدعوت و کلائی که اقتدارات سلطنت را میخواستند در تحت کنترل بیرون
بیاورند نبود.

در سنه ۱۳۶۷ يك اجتماع ساده از مستغذین مملکت تشکیل بود
سنه ۱۳۶۹ هر سه طبقه کشیش ها نجباء و نماینده شهر ها از تمام
جمع گردیده تصمیم در جنگ با انگلستان گرفته و شش ماه بعد مالیاتهایی
که برای تجدید خصوصت لازم بود عطا نمودند.

قبل از پنج مجلس که در سلطنت شارل از ۱۳۵۵ منعقد و جلسه
دوره شارل پنجم در ۱۳۶۹ مجلس اناژور و جز در تواریخ ذیل منعقد
نگردیده است.

در ۱۲۹۲ در پاریس در سلطنت شارل ششم در ۱۲۲۰ در پاریس
بدعوت پادشاه انگلستان هائری پنجم در ۱۲۲۲، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵ و
۱۲۲۸ این چهار جلسه اخیر در سلطنت شارل هفتم و در موقع جنگ
سدساله منعقد شده است مجلس مزبور هر ساله تا سنه ۱۲۳۵ مجتمع
گردیده و جدوجهدی در کمک و مساعدت شاهی می نمودند. در سنه
۱۲۳۹ در ارلان در عهد سلطنت شارل هفتم اناژور و ایچادشون دالمی
نمود. و مالیات سرشماری را بطور ابدی برای مخارج ژاندارمری همین
نمودند (۱) قبل از آن در انعقاد مجلس مزبور فاصله پیدا شده و مدت

(۱) مالیات سرشماری در فرانسه تا قبل از هارو هانصد و هشتاد و نه بوده
بوده و مثل مالیات بر عایدات میزان آن هر ساله معین و در ولایات قسمت میگذاشته
است و مالیات شکل مالیات ارضی را داشته است که از املاک ساختمان دارویی
ساختمان میگرفتند.